

هسته دانشجویی حقوق و هوش مصنوعی



مسائل فقهی پیرامون هوش مصنوعی

سخنران: سرکار خاتم دکتر مومن

عضو هیئت علمی گروه حقوق دانشگاه امام صادق (ع) پردیس
خواهران

1. تعریف هوش مصنوعی (Artificial Intelligence):

(نوعی شبیه سازی فرآیندهای هوش انسانی توسط ماشین ها)

هوش مصنوعی دانش بسیار گسترده ای در جهان امروز است. از نظر برنامه نویسی هوش مصنوعی بر سه مهارت شناختی متمرکز است :

1- یادگیری: بحث یادگیری دستیابی به داده ها و ایجاد قوانینی است که این داده ها را تبدیل به یکسری اطلاعات عملیاتی متمرکز کند که اصطلاحاً بدان الگوریتم گویند. درواقع بصورت گام به گام دستور العمل هایی را ترتیب می دهد که با استفاده از داده های اولیه در این سیستم محاسباتی قدم به قدم یک نتیجه واحد می دهد.

2- استدلال: اتصال الگوریتم هایی که در فرآیند یادگیری تهیه شده است و حصول این ثمر که برای رسیدن به نتیجه موردنظر کدام الگوریتم مناسب است.

3- اصلاح فرم یا خود اصلاحی: هوش مصنوعی برای تنظیم و رصد و پایش مداوم و رفع اشکالات این الگوریتم ها از آن استفاده می کند تا از ارائه دقیق ترین نتایج اطمینان حاصل گردد.

در فرآیند هوش مصنوعی سعی بر آن است که ماشین ها هرچه بیشتر عملکردی شبیه عملکرد ذهن انسان داشته باشند یعنی نزدیک کردن ماشین ها به انسان؛ هرچه بیشتر شبیه انسان باشد مطلوب تر است.

طبقه بندی هوش مصنوعی براساس نوع عملکرد:

1- ماشین های واکنشی: ماشین هایی که اطلاعات از پیش تعیین شده را بازگو کرده و امکان یادگیری و افزایش اطلاعات ندارند.

2- ماشین های حافظه محدود: از داده های قبلی برای تصمیم گیری های بعدی خود استفاده می کنند و هوشمند تر از واکنشی ها هستند.

3- ماشین های خودآگاه یا نظریه ذهن: این ماشین ها نه تنها احساسات دارند بلکه قدرت تبادل احساس با طرف مقابل را هم دارند درواقع بسیار شبیه انسان هستند درحالیکه هنوز به وجود نیامده اند.

2. فقه هوش مصنوعی

نخستین گام که باید بطور جدی بدان پرداخت بحث شناخت مبادی تصویری و تصدیقی هوش مصنوعی است و تا زمانیکه این شناخت وجود نداشته باشد نمی توان از احکام هوش مصنوعی سخن گفت.

تعریف مختصر از هوش مصنوعی:

نوعی شبیه سازی فرآیندهای هوش انسانی توسط ماشین ها

تعریف فقه:

علم به احکام شرعی مربوط به انسان مکلف؛ مکلف می تواند شخص حقیقی بدون در نظر گرفتن روابطش با جامعه باشد (فقه خرد) و شخص مکلف می تواند شخص حقوقی یا نظام اسلامی یا حکومت باشد (فقه کلان)

مسائل فقه هوش مصنوعی:

پرسش هایی که به ذهن متبادر می شوند عبارتند از:

- آیا هوش مصنوعی را می توان مکلف در نظر گرفت؟
- در صورتیکه مکلف در نظر گرفته شود، این شخص مکلف خرد است یا کلان؟
- مکلف مورد نظر شخص حقیقی تلقی می شود یا شخص حقوقی؟
- آیا حاکم و صاحب هوش مصنوعی نیز مکلف است یا خیر؟
- آیا امکان دارد که هوش مصنوعی مکلف نباشد اما حاکم بر آن مکلف باشد؟
- آیا هوش مصنوعی ابزار است و مکلف نیست؟
- منظور از هوش مصنوعی کدام قسم از اقسام آن است؟

فرض اول

فرض اول آن است که هوش مصنوعی بعنوان ابزاری تحت اشراف انسان است. نظر به اینکه تکلیف مشروط به شرط قدرت است، اگر هوش مصنوعی به سطحی رسد که باعث عدم اختیار انسان شود فعلی که از انسان حاکم بر هوش مصنوعی سر می زند چه حکمی دارد؟

اگر اختیار باشد تکلیف هم هست؛ لیکن اگر اختیار نباشد قاعداً هر عملی که موجب سلب اختیار انسان بشود حرمت شرعیه دارد؛ مثلاً در باب شرب خمر، خمر یک حرمت ذاتیه دارد. شرب با اختیار آن، خمر هم به دلیل اینکه موجب سلب اختیار انسان می شود حرمت دارد. لذا باب مفصلی در فقه در خصوص تداخل دو حرمت مطرح می گردد که آیا دو عقاب دارد یا یک عقاب؟ لیکن قدر مسلم آن است که فعلی که موجب سلب اختیار می شود حرمت شرعیه دارد. حال اگر انسان نوعی از ربات را اختراع کرده که موجب سلب اختیار انسان شده است، نظریه ذهن یا هوش مصنوعی خودآگاه مطرح می شود. قاعداً ساخت چنین رباتی حرمت شرعیه دارد و با توجه به مبانی فقهی یعنی انسان حق ندارد چیزی بسازد که اختیار انسان را سلب کند؛ حال اگر انسان عصیان کرد و چنین رباتی را ساخت و این ربات از انسان سلب اختیار نمود و انسان جنایتی واقع ساخت، مثلاً قتلی انجام داد قتلی که از روی اختیار نبود، حکم شرعیه مسئله چیست؟ آیا فقط انسان موضوع حکم شرعی است؟ انسانی که از او سلب اختیار شده است یا رباتی که قرار بود تحت اشراف انسان باشد لیکن الان موجب سلب اختیار انسان شده است و مستقل عمل کرده است هم موضوع حکم قرار می گیرد؟ با انسانی که از آن سلب اختیار شده است چگونه باید برخورد کرد؟

در اینجا قاعده فقهی مهمی وجود دارد: «الامتناع بالاختیار لا ینافی الاختیار» یعنی شخصی که عمداً و با اختیار از خود سلب اختیار نموده است، هر فعلی که از او سر بزند منافاتی با فعل او در حالت اختیار ندارد؛ مثلاً شخصی که عالمانه و عامدانه شرب خمر نماید و به دلیل سلب اختیار آسیب به دیگری بزند، نمی تواند استدلال کند که فاقد اختیار بوده است، لذا تفاوتی با حالتی که این فعل را در حالت اختیار انجام داده است ندارد.

پس گام دوم در بحث فقه هوش مصنوعی، بحث استخراج اصول و قواعد حاکم بر هوش مصنوعی است. یکی از این قواعد قاعده «الامتناع بالاختیار لا ینافی الاختیار» است.

در حال حاضر بحث از یک اضافه تخصصی است و آن فقه هوش مصنوعی است یعنی یا آن فقیه خودش تخصص دارد، یا آن فقیه تخصص موضوعی ندارد و لذا ممکن است به عنوان مشاور از یک متخصص در این عرصه استفاده کند که موضوع تخصصی را برای آن فقیه تبیین کند؛ به هر حال نیاز به ضمیمه شدن یک متخصص است. این متخصص لزوماً انسان نیست می تواند کتاب باشد لیکن آیا صرف وجود یک متخصصی که بیاید و موضوع و لوازم آن موضوع را برای ما روشن کند کفایت می کند؟ خیر علت ناقصه است یعنی لازم هست ولی کافی نیست. آن

فقیه قبل از افتاء و صدور حکم باید علاوه بر آن اطلاعات تخصصی که آن متخصص ارائه فرمودند بر پایه آنها پیامد های اجتماعی و انسانی و بلند مدت این پدیده را هم ملاحظه کند. آن شخص متخصص زاویه دید تخصصی خودش را دارد، فقیه علم اجمالی اولیه تخصصی را از او می گیرد اما با توجه به آن ملکه اجتهادی که فقیه دارد مجموعه ای از ابعاد مختلف این مسئله را نه فقط از زاویه تخصصی اش بلکه از سایر ابعاد و زوایا درک کرده و در واقع یک سیستمی را ایجاد می کند.

گام چهارم بحث شناخت مسائل است. در برخی مواقع هوش مصنوعی به ماهو هوش مصنوعی محل بررسی است و برخی مواقع هوش مصنوعی تحت اشراف آگاه هوشمند بررسی می شود.

در هوش مصنوعی به ماهو هوش مصنوعی، فارغ از اینکه دارای روح خود اتکا باشد یا نباشد باید در گام اول مشخص کرد که در مسئله هوش مصنوعی اصل اولی چیست؟ آیا اصل اولی حلیت است یا حرمت؟

اگر نظریه اجتهادی یک فقیهی بر اساس حلیت باشد، یک سازوکار دارد و اگر حرمت باشد سازوکار دیگری دارد. اگر اصل اولی حرمت است باید فقیه بررسی کند تحت چه شرایطی جواز استفاده از هوش مصنوعی وجود دارد؟ اگر نظر اجتهادی فقیه بر حلیت است آیا مطلق حلیت مد نظر است یا آن حلیت تابع شرایط است؟

در واقع در گام چهارم، استنباط احکام یا تفریع فروع در هوش مصنوعی در یک گام مستقیماً حکم مسائل هوش مصنوعی در زمان حال را مشخص می کند و در گام بعدی بستری سازی می کند تا فقهای آینده با توجه به آن زمینه و بستر احکام مسائل نو پدید را استنباط بکنند و این می شود گام چهارم و گستره شناخت مسائل حاکم بر عرصه هوش مصنوعی.

پرسش های مطروحه توسط حضار و دانشجویان

1. اگر ربات خودمختار یادگیرنده و دارای عقل را نوعی انسان بدانیم آیا ساخت هوش مصنوعی خودآگاه بازهم حرمت دارد؟

پاسخ: اصول و قواعد حاکم بر هوش مصنوعی بسیار مهم است. یکی از قواعد سلب اختیار است، یعنی هر فعلی که موجب سلب اختیار انسان شود حرمت دارد. لذا اگر موجود هوشمندی ساخته شود که موجب سلب اختیار انسان شود طبق اصل اولی حرمت دارد.

چالش ها و موضوعات جهت پژوهش های آتی

- برنامه ریزی سیستم فقه و فقاقت به صورت یک الگوریتم هوشمند
- نفوذ یا عدم نفوذ بیع و شراء های که بوسیله وسیله هوش مصنوعی صورت می گیرند.